

داستان یک زندگی

برش‌هایی از زندگی شهید

عبدالکریم دیناروند

عابداکبری

با مقدمه‌ای از شهید برایانی

سرشناسه:

اکبری، عابد، ۱۳۶۰

عنوان و نام پدیدآور:

داستان یک زندگی؛ برش‌هایی از زندگی شهید عبدالکریم دیناروند/ عابد اکبری؛ با مقدمه‌ای از شهره پیرانی.

مشخصات نشر:

تهران: تنزیل، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری:

۶۸ص.

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۹۴۷۶۵-۷-۲

وضعیت فهرست نویسی:

فیا

عنوان دیگر:

برش‌هایی از زندگی شهید عبدالکریم دیناروند.

موضوع:

دیناروند، عبدالکریم، ۱۳۲۲-۱۳۵۹.

موضوع:

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات

موضوع:

شهیدان -- ایران -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده:

پیرانی، شهره، ۱۳۵۸ -- مقدمه‌نویس

رده بندی کنگره:

۱۶۲۶DS۲ الف ۷/۱۳۹۵

رده بندی دیویی:

۹۵۵/۰۸۳۱۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی:

۲۳۱۵۰

داستان یک زندگی؛ برش‌هایی از زندگی شهید عبدالکریم دیناروند

مؤلف: عابد اکبری

ناشر: انتشارات تنزیل

طرح جلد: بنیامین امینی‌پور

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ چاپ: فروردین ۱۳۹۵

نوبت چاپ: نخست

قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۷۶۵-۷-۲



نشر تنزیل

تهران، بزرگراه رسالت، خیابان کرمان جنوبی، کوچه شهید احمدی، کوچه یکم، ساختمان ستاره، واحد ۳

تلفن: ۶۶۹۶۲۸۰۲

مقدمه

داستان زندگی سید محمد الکریم دیناروند، داستان زندگی همه‌ی مردان مردی است که به پشتوانه‌ی هراسان مهربان و فداکار خود در راه اعتلای میهن اسلامی‌امان با نثار جان، خمش درس آزادی و آزادگی می‌دهند و خداوند به پاس این از خود گذشتگی، نورانیت ابدی که تنها برای پیامبران و ائمه است به آنها عطا می‌نماید چرا که اینان بهترین معبود درگاه حق تعالی هستند.

داستان یک زندگی؛ داستان یک «پدر» است. واژه دیگری که با کلمات و جملات دنیایی نمی‌توان آن را به رشته تحریر درآورد و در نطفه‌اش فرشتگان آسمان لب به سخن باز می‌کنند.

داستان یک زندگی داستان یک «همسر» است. همسری عاشق که با همه‌ی وجود و حتی در شرایط سخت جنگ به خانواده‌اش عشق می‌ورزد. و داستان یک زندگی داستان یک شهید است. شهیدی که با شهادت خود

به اوج تعالی انسانی دست یافته است.

اما در سوی دیگر این داستان، خانواده و نزدیکان شهید هستند. خانواده‌ای که با شهادت «پدر» مسیر زندگی‌اشان دستخوش تحولات شگرفی می‌شود. و این خود آغاز داستان دیگری است.

سالهای زیادی از آشنایی من با خانواده شهید دیناروند می‌گذرد. در طی این سالها همیشه شاهد سختی‌ها و مشکلات زندگی همسر و فرزندان شهدا بوده‌ام. اما افتخار پس از شهادت همسرم بود که معنای واقعی رنج و دردشان را به گونه‌ای ملموس درک کردم. زمانی که دیگر شهید داریوش رضایی نژاد نبود. یک پدر، یک همسر.

با وجود تمام سختی‌ها و تنهایی که شهادت برای همسر و فرزندان شهدا به ارمغان می‌آورد؛ تنها چیزی که ادامه راه زندگی را میسر می‌کند «احساس غرور و افتخاری» است که با یادآوری «رشادت‌ها و ایثار» شهید، همواره در دل‌ها باقی خواهد بود. احساس غرور و افتخار، درستی راهی که شهید عبدالکریم دیناروند، شهید داریوش رضایی نژاد، شهید داریوش رضایی که شهید همه وجود به آن ایمان داشتند. احساس غرور و افتخار که حتی امروز نیز پس از گذشت بیش از ۳۵ سال وقتی «خاله مریم» از آن سخن می‌گوید اشک در چشمانش حلقه می‌زند و احساسی که من نیز هرگز نباید نخواهم برد.

امروز که به گذشته می‌نگرم ایمان دارم که آشنایی من با خانواده شهید دیناروند تمرینی بود برای من و آرمیتای عزیزم تا بهتر بتوانیم نبود شهید

رضایی نژاد را در روزهای سخت بی او بودن تحمل نماییم.
درود خویش را نثار همه‌ی شهدای سرزمینم می‌کنم. آنان که همیشه در
یادمان جاودان خواهند بود.

شهره پیرانی

همسر شهید داریوش رضایی نژاد